

تحلیل نشانه‌شناختی الگوی تنش در داستان بعثت موسی(ع) در سوره طه

روح‌اله نصیری^{۱*}، مهناز امیری^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان
۲. فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه؛ دانشگاه اصفهان

چکیده

میدان عملیات گفتمان، شاكلة گفتمانی داستان را در قالب گسست- پیوست بازنمایی می‌کند. یکی از شاخصه‌های گفته پردازی ضمایر شخصی و شناسه‌های مکانی و زمانی یعنی تک واژه‌های دستوری هستند (من- اینجا- اکنون) (او- آنها- آنجا - غیر اکنون) که در گفتمان داستانی بعثت موسی (ع) به شکل‌های مختلف به کار رفته‌اند و مدام در حال تغییر هستند. تغییرات تک واژه‌های دستوری در گفته پردازی موجب پیوست و گسست گفتمانی در ماجرای بعثت موسی (ع) شده که تولید و دریافت معنا را به دنبال دارد. انفصال گفتمانی با گسترش عوامل فرا زمانی و فرا مکانی سبب بسط، کثرت و تعدد در سخن می‌شود و راه را بر گشایش معنای غیر منتظره در این گفتمان داستانی می‌گشاید. بر این مبنا دنیای جدیدی از کنشگران و زمانها و مکانهای نامحدود باز می‌شود که خود موجب بسط و ایجاد معانی مختلف می‌شود. این پژوهش در صدد است ویژگی‌های گفته پردازی آیات بعثت حضرت موسی (ع) در سوره طه را با رویکرد نشانه شناختی تنشی مورد تحلیل و تبیین قرار دهد. پس از تحلیل نشانه شناختی تنشی گفتمان در آیات سوره طه مشخص شد که رابطه تنشی بین کنشگر اصلی یعنی خداوند و موسی(ع) بر اساس رابطه گسست و پیوست، نوسانی از معانی را برای وی به دنبال دارد که در مقاله به تفصیل درباره آن بحث شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل نشانه شناختی، الگوی تنشی، فرایند گفتمان، سوره طه.

۱. مقدمه

هر متنی که برای مخاطب، سازنده معنا و مفهوم باشد از نشانه‌ها تشکیل شده است. نشانه‌شناسی مطالعه نظام مند همه عواملی است که در فرآیند دلالت و تولید معنا شرکت دارند. اساسی‌ترین گام در مطالعات نشانه‌شناختی، انتخاب روشی متناسب با موضوع پژوهش از میان روش‌های گوناگون حوزه نشانه‌شناسی است؛ چرا که نشانه‌شناسی در رویکردهای خود آن چنان متنوع است که نمی‌توان آن را رشته‌ای واحد تلقی کرد.

ساختار تنشی گفتمان بر مبنای تعامل دو گونه عاطفی (فشاره‌ای) و شناختی (گستره‌ای) که ابزاری قابل سنجش هستند زمینه تحلیل فرآیندهای گفتمانی از جمله گفتمان‌های قرآنی را فراهم می‌سازد و سبب تولید معنا می‌شود. فرآیند تنشی روشن می‌کند چگونه متن در نظام گسست قرار می‌گیرد و چگونه انفصال گفتمانی راه را بر گشایش و تکثیر معنا‌های غیر منتظره می‌گشاید. در این مقاله با استفاده از روش نشانه‌شناختی تنشی ماجرای بعثت حضرت موسی (ع) برای بررسی و تحلیل انتخاب شده است؛ چرا که این سوره با گفتمانی زنده مواجه است که رابطه‌ای گستره‌ای و فشاره‌ای بر آن حاکم است. در همین راستا به دنبال پاسخ گویی به این سؤالات هستیم ۱- چگونه فرآیند تنشی در گفتمان داستانی بعثت حضرت موسی (ع) با گسست و پیوست در گفتمان، بار معنایی را تضمین می‌کند؟ ۲- چگونه این داستان گفتمانی بر اساس الگوی تنشی در فضای گفته‌پردازی عمل کرده است و فرآیند داستانی گفتمان را شکل داده است؟

از آنجا که در آیات ۹ تا ۲۴ سوره طه یکی از عوامل معنا ساز گسست و پیوست گفتمانی، بر اساس شناسه‌ها و تغییر ضمایر است فرض ما این است که معنا بیشتر از طریق تغییر ضمایر و همچنین در قالب فرآیند گسست و پیوست حاصل شده باشد.

هدف این مقاله بررسی داستان بعثت موسی (ع) از نظر ساز و کار تولید و دریافت معنا با تکیه بر فضای گفته‌پردازی گسست و پیوست گفتمانی است. در فرآیند تنشی معنای هدفمند نتیجه جریانی پیوسته و جهت دار است که بین شاخصه‌های مؤلفه‌ای مکانی-زمانی و ضمایر ایجاد می‌شود. شاخصه‌هایی که در چنین متن سیالی، دامنه حضور نزدیک ترین تا دورترین نقطه فضای تنشی را در بر می‌گیرد و حضور معناداری تحقق می‌یابد.

۲. پیشینه تحقیق

درباره موضوع نشانه و نشانه‌شناسی نوشتارهای متعددی وجود دارد که ذکر نام همه آنها در این مجال نمی‌گنجد؛ از این رو در ادامه مهم‌ترین آثاری که در حیطه نشانه‌شناسی تنشی نوشته شده است معرفی می‌شود. در زمینه نشانه‌شناسی تنشی می‌توان تألیفات شعیری را پیش‌تاز دانست. وی در کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان»، (۱۳۹۲)، تهران، سمت به بررسی عملیات گفتمانی پرداخته است. وی در کتاب «نشانه معناشناسی ادبیات»، (۱۳۹۵)، تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ویژگی چهار نظام گفتمانی را شرح داده است.

مقالاتی نیز در این باره وجود دارد که در ادامه تعدادی از آنها ذکر می‌شود: در مقاله ای با نام «نقش یادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف»، اثر فریده داودی و همکاران، ۱۳۹۶، پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، شماره اول، پیاپی (۱۱)، ص ۱-۱۶، یادگفتمان‌ها در سوره کهف مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است. علی عباسی و علی کریم فیروز جانی در مقاله‌ای با نام «کارکرد روایی فرا راوی در داستان حضرت آدم»، ۱۳۹۱، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره اول (پیاپی ۱۱) ص ۱۵۹ تا ۱۸۰ با استفاده از روش روایت‌شناسی سطوح مختلف داستان را مورد بررسی قرار داده است. احمد پاکتچی، حمیدرضا شعیری و هادی رهنما در مقاله «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه»، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی»، ۱۳۹۴، دو ماهنامه جستارهای زبانی، ۶، ش ۴ (پیاپی ۲۵)، ص ۳۹-۶۸ سوره قارعه را بر اساس الگوی تنشی مورد تحلیل قرار داده‌اند. سید حسن سعادات مصطفوی، حمید رضا شعیری و هادی رهنما در مقاله «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی»، ۱۳۹۲، در دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن شماره دوم از ص ۲۴ تا ۴۲، آیات ناظر به کرامت را بر اساس الگوی پساگرماسی مورد بررسی قرار داده‌اند. فاطمه اکبرزاده و مرضیه محمص در مقاله «نشانه معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی(ع)»، ۱۳۹۶، دو ماهنامه علمی پژوهشی جستارهای زبانی، ۸، ش ۵، (پیاپی ۴۰)، شیوه تبلیغی موسی(ع) با فرعون را بر اساس نظام تنشی در سوره شعراء مورد بررسی قرار داده‌اند.

مقالات دیگری نیز در این راستا نوشته شده است؛ از جمله: مقاله «از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی» اثر حمید رضا شعیری، ۱۳۸۸، مجله ادبیات و

زبان‌ها، شماره ۸، ص ۳۳ تا ۵۲، و مقاله «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معنا شناختی»، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۱۹، ص ۱۰۶ تا ۱۱۹، و نیز مقاله «فرا ارزش و رابطه آن با تنش و معنا در «ندای آغاز» سهراب سپهری» از حمید رضا شعیری، ۱۳۷۹، شماره ۹۱ از ص ۴۴۹ تا ۴۶۰، همچنین مقاله «از برهم کنشی تا استعلا بر اساس گفتمان رومیان و چینیان مولانا» اثر حمید رضا شعیری و ابراهیم کنعانی، ۱۳۹۴، جستارهای زبانی، شماره ۲۳، ص ۱۷۳ تا ۱۹۶ و نیز مقاله «تحلیل نشانه شناختی شیوه‌های گفته‌پردازی در پین‌های نهم و دهم اوستا» از مرضیه اطهری نیک و سهراب احمدی، ۱۳۹۶، جستارهای زبانی، ۸۱، ش ۵ (پیاپی ۴۰)، ص ۱۵۹ تا ۱۷۹. مقالات ذکر شده در صدد هستند متون ادب فارسی را بر اساس فرآیندهای گفتمانی مورد تحلیل نشانه شناختی قرار دهند. مقالات مذکور از لحاظ متن مورد بررسی با مقاله حاضر متفاوت هستند اما زمینه‌ای برای نگارش این مقاله و مرجع مفید در این راستا محسوب می‌شوند.

با توجه به توضیحات داده شده و با عنایت به موضوع مورد بررسی در این مقاله، تمایز مقاله حاضر و نوشتارهای پیشین مشخص شد. مقاله حاضر در ادامه پژوهش‌های پیشین به بررسی معناهای سیال در نظام تنشی گفتمان بعثت موسی (ع) در سوره طه می‌پردازد.

۳. فرآیند تنشی گفتمان

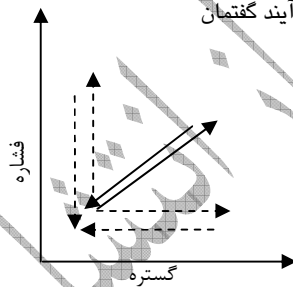
یکی از مهم‌ترین طرح‌واره‌های فرایند هوشمند در حوزه گفتمان، طرح‌واره «فرایند تنشی»^۱ است بر اساس این طرح‌واره، بین عناصر نشانه معنایی رابطه‌ای به وجود می‌آید که معنا از کم رنگ‌ترین تا پررنگ‌ترین شکل آن در نوسان است (اسماعیلی عصمت و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵). نشانه‌شناسی با الگوی تنشی^۲ که متعلق به گستره نشانه‌شناسی پسا گریماسی^۳ است نخستین بار در اثر مشترک ژاک فونتانی^۴ و کلود زلیبربرگ^۵ با عنوان تنش و دلالت^۶ معرفی شده است. این الگو با مرتبط کردن فضای تدریجی ظرفیت‌ها (پیوستگی‌ها)، و فضای قطبی نشانه‌ها (ناپیوستگی‌ها)، دو بعد دلالت یعنی معقول و محسوس را به یکدیگر پیوند می‌دهد. (سید حسن سعادات مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹). رابطه تنشی، نوع حضور کسی در مطالعات نشانه‌ای می‌باشد که چنین رابطه‌ای بر دو محور «فشاره»^۷ (محور عاطفی) و «گستره»^۸

یا گونه‌های شناختی قرار دارد. بر اثر تعامل بین دو گونه عاطفی و شناختی فرایند تنش‌ی شکل می‌گیرد. برای نشان دادن رابطه نوسانی و سیال، می‌توان از محور Y و X کمک گرفت. محور عمودی همان محور فشارهای یا کیفی است و محور افقی همان محور گستره یا کمی است. از تعامل بین این دو محور ارزش شکل می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۶۷) عملکرد تنش‌ی زمانی رخ می‌دهد که درون گفتمان دو شیوه حضور کنش گران بر اساس هم تنیدگی و هم آمیختگی دو نیروی کیفی - کمی یا عاطفی - شناختی شکل می‌گیرند (شعیری، ۱۳۹۵، ۱۵)

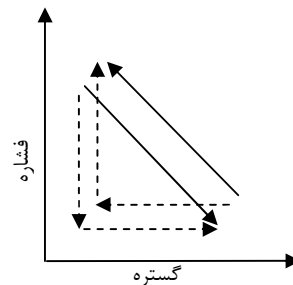
بر اساس جهت تغییر گستره و فشار، دو گونه هم پیوندی از یکدیگر متمایز می‌شوند: اگر روند گستره و فشار هم جهت باشد یعنی هر دو در جهت افزایش یا در جهت کاهش باشند، هم پیوندی مستقیم (همسو) شکل می‌گیرد، و اگر روند دو بعد در دو جهت مخالف باشد، یعنی گستره کاهش‌ی و فشار افزایش‌ی باشد، یا بر عکس هم پیوندی معکوس (ناهمسو) شکل می‌گیرد. بدین ترتیب در فضای تنش‌ی، چهار گونه هم پیوندی فشار گستره متصور است. (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴، ۴۵ - به نقل از 39-40: fontanille, 2006)

۱۱

طرحواره‌ی تنش‌ی فرآیند گفتمان



شکل ۲. فرآیند هم پیوندی مستقیم



شکل ۱. فرآیند هم پیوندی معکوس (ناهمسو)

۱. الگوی تنش‌ی افزایش‌ی^{۱۲} در این طرحواره همزمان افزایش فشار بر روی محور عاطفی و رشد فضای گستره‌ای ایجاد می‌شود. ۲. الگوی تنش‌ی کاهش‌ی^{۱۳}: این طرحواره را می‌توان کاهش همزمان بعد عاطفی و گستره شناختی دانست. همانطور که بر روی محور عمودی از عناصر کیفی کاسته می‌شود بر روی محور افقی نیز از عناصر کمی کاسته می‌شود. ۳. الگوی تنش‌ی

صعودی^{۱۴} در این حالت، فشاره‌های عاطفی بر روی محور عمودی افزایش پیدا کرده و در بالاترین درجه تنش به وقوع می‌پیوندد از طرفی دیگر عناصر کمی بر روی محور افقی کاهش پیدا می‌کند که در نتیجه، این رابطه معرف افزایش فشاره و کاهش گستره می‌باشد. الگوی تنش نزولی^{۱۵} در این حالت، فشاره‌های عاطفی بر روی محور عمودی کاهش پیدا کرده و گستره‌های شناختی بر روی محور افقی در اوج قرار می‌گیرند که بیانگر افزایش گستره و کاهش فشاره است.

۴. عملیات گفتمان

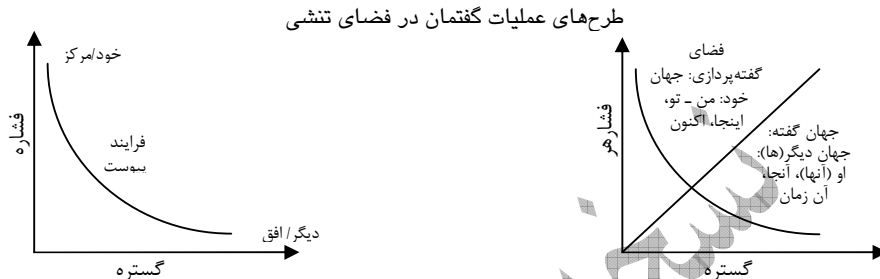
۴-۱. موضع‌گیری

نخستین کنش در عملیات گفتمان، «موضع‌گیری»^{۱۶} است که به لحظه قبل از تولید گفتمان بر می‌گردد (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۰). به نقل از (Ibid). موضع‌گیری گفتمانی با اتصال و انفصال گفتمانی کاملاً در ارتباط است. هنگامی که در گفتمان، موضع‌گیری بر پیوست و اتصال استوار باشد سخن باز نمودی از دنیای خود و خود را به اجرا می‌گذارد و در صورتی که موضع‌گیری بر انفصال و گسست متکی باشد باز نمودی از دنیای دیگر را نشان می‌دهد (شعیری، ۱۳۸۴، ۱۹۲).

۴-۲. گسست - پیوست

دومین کنش در عملیات گفتمان، بیرون رفتن از مرکز ارجاع گفتمان از طریق کنش «گسست»^{۱۷} می‌باشد. گسست بیرون رفتن از قلمروی گفته‌پردازی (من - اینجا - اکنون) و رفتن به سوی قلمروی جهان گفته است. یعنی به سمت جایی که سوژه گفته‌پردازی نیست یعنی عبور از وضعیت اولیه به وضعیت جدید یعنی (او - آنجا - آن زمان). بیرون نرفتن از موضع گفته‌پردازی یا بازگشت به آن در قالب کنش «پیوست»^{۱۸} می‌باشد (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۱) از دیدگاه تنش، در فرآیند گسست، گفتمان خودش را از فضای گفته‌پردازی، از مرکز تراکم انرژی‌ها جدا می‌کند در نتیجه گستره افزایش و فشاره کاهش می‌یابد و فضاهای جدید کشف می‌شود و کنشگران دیگری نیز به صحنه می‌آیند. در فرآیند پیوست، عملیات گفتمان در

جهت بازگشت به موضع اصلی خود پیش می‌رود (پاکتچی و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۲ به نقل از fontanille, 2006: 58)



شکل ۴. عملیات گفتمان در فضای گسست/پیوست

شکل ۳. عملیات گفتمان در فضای گفته‌پردازی و جهان گفته‌ای

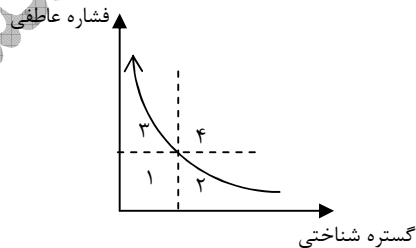
۵. ضرب آهنگ

یکی از مباحث مهم در گفتمان عاطفی بحث ضرب آهنگ است. ضرب آهنگ تعیین کننده نوع حضور گونه‌های حسی- ادراکی است (شعیری، ۱۳۹۲، ۱۰۱) از تأثیر گذارترین ابزار در مخاطب ضرب آهنگ می باشد. ضرب آهنگ در جریان حسی- ادراکی و فضای تنشی میزان تأثیر بر مخاطب را ارزیابی می کند. آهنگ در گفتار، نقش نشانه‌های نگارشی را در نوشتار بازی می کند، با این تفاوت که میزان تأثیر گذاری‌های آن‌ها برابر نیست. (زرکوب و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲) در واقع، آهنگ گفتار که خود تجلی بخش فضای عاطفی حاکم بر گفتمان است، می تواند دارای نمودهای متفاوتی باشد که بر جریان عاطفی گفتمان دلالت دارند و تعیین کننده سازه یک گونه عاطفی در گفتمان هستند (شعیری، ۱۳۹۲، ۱۵۳) به عقیده فونتی افعال مؤثر برای تولید فضای عاطفی باید در تعامل با یکدیگر قرار گیرند و میزان پذیر باشند (فونتی، ۱۹۹۹، ۱۷۱). همچنین برای تولید فضای عاطفی باید با یکدیگر مرتبط شوند ارتباط قطب مثبت و منفی هر یک از آنها با هم، سبب بروز اثرات عاطفی می شود (عباسی، علی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۵۵) با توجه به زنجیره‌های مختلف و آهنگ گفتاری که بین آیات در این سوره وجود دارد برای این گفتمان می توان طرح واره‌های مختلف تنشی در نظر گرفت.

۶. فرآیند گفتمانی و الگوی تنشی آیات «۹-۲۴» سوره طه

۶-۱. الگوی تنشی آیه "۹" سوره طه

اولین کلام الهی در سوره طه درباره داستان حضرت موسی(ع) با بیان استفهام مطرح می‌شود. خداوند با خطاب قرار دادن پیامبر به عنوان صاحب سخن وارد میدان شده است. در این آیه عبارت «هَلْ أَتَاكَ...» با حالت استفهام ذهن مخاطب (حتی پیامبر اکرم) را به چالش کشانده و سطح هیجان و کنجکاوی در پیگیری داستان را افزایش داده است. گفته‌یاب در حالت ابهام به سر می‌برد و رغبت بیشتری برای شنیدن این داستان دارد. این آیه پیوست به فضای گفته‌پردازی (من- تو) را محقق می‌کند. بیان پرسشی «وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى» در متن آیات، فضای گفتگوی گفته‌پرداز (من) با گفته‌یاب (تو) را به تصویر کشانده است. این فرایند گفتمانی با بیان پرسشی، بدون گسترش جهان گفته‌ای "حدیث" و با مجمل گذاشتن آن، به سرعت به جایگاه مرکز عملیات گفتمان جایگاه گفته‌پردازی خود بازگشته است. گفته‌پرداز بیش از سخن گفتن درباره موسی(ع) و داستان او به قصد آشکار کردن حضور خود لب به سخن گشوده است. با توجه به کوتاه بودن فرایند گفتمان و پیوست به مرکز عملیات گفتمان، فشاره افزایش یافته و به دلیل منحصر ماندن گستره بر "حدیث" الگوی تنشی آن صعودی است. در این آیه به دلیل بازگشت از فضای گفته‌ای و پیوست به فضای گفته‌پردازی و سیر از وضعیت ابژه‌ای تر (او- آنها) به سوی وضعیت سوژه‌ای تر (من- تو) فشاره عاطفی گفتمان افزایش می‌یابد بنابراین فرایند تنشی گفتمان در این آیه سیر صعودی دارد.



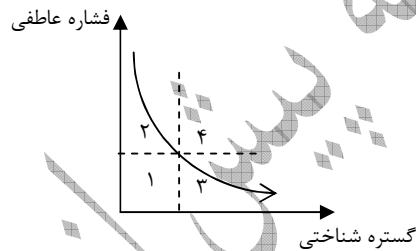
سیر گفتمان از جهان گفته‌ای به گفته‌پردازی

نمودار ۱. الگوی تنشی آیه ۹

۶-۲. الگوی تنشی آیه ۱۰

در گفتمان این آیه تکرر ابژه‌ها و افق‌های شناختی و گسترش فضای جهان گفته‌ای نمایان است. به نسبت آیه قبل در آیه ۱۰، گفتمان به سمت گسترش فضای جهان گفته‌ای و تکرر ابژه‌های (او- آنها) و افق‌های شناختی پیش رفته است. در این آیه حضور گفته‌پرداز برای برجسته‌تر شدن حضور دیگران (او- آنها) پوشیده‌تر مانده است. گفته‌پرداز "حدیث" را به ابژه‌های "ناراً"، "لِأَهْلِهِ" "مُكْتَبُوا"، "ناراً"، "بِقَبَسٍ"، "النَّارِ" و "هُدًى" پیوند داده و از این جهت داستان را بسط داده است. تکرار «نار» در این آیه مقدمات وحی و نبوت را برای موسی(ع) فراهم می‌کند. همین که اراده خداوند برای نبوت موسی(ع) تعلق گرفت تمامی وسایل به خدمت این هدف درآمدند: تاریکی شب، کم کردن راه، خانواده موسی(ع) و همراهان او، دیدن آتش) همه مقدمه جذب موسی(ع) و ارائه وحی و نبوت به او در میعادگاه الهی هستند. در داستان حضرت موسی(ع) تجلی خداوند بر درخت، به صورت آتش است. تقدس آتش جدا از نقش مؤثرش در زندگی بشر، ریشه در خاصیت پاک کنندگی و منشأ نور بودن و گرما و خاصیت بالا روندگی آن دارد. (نظری و محمدی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۳). «گفتمانی است که الوهیت همواره به صورت آتش ظاهر می‌شود؛ گاه به شکل بوته‌ای شعله ور و بیشه‌ای افروخته» (پیر بایار، ۱۳۸۷: ۲۹۰) برای موسی(ع) آشکار شد که این آتش، تجلی الهی است. تکرر الفاظ در این آیه تأکید لفظی است تا معانی در اذهان رسوخ کرده باعث تقویت ایمان شود. این تکرر شک و تردید را از میان می‌برد و اقتناع و تأثیر و اقرار را به همراه دارد (سیدی و عبدی، ۱۳۸۴: ۶۶) در این آیه با وجود ابژه‌های انتشار یافته چون "نار"، "نور"، "آتش" و "هدایت" از فشاره موجود در آیه قبل کاسته شده و بر گستره شناختی گفتمان آن افزوده شده است. در گفتمان این آیه شرح آغاز بعثت موسی(ع) از چشم انداز گستره‌ای در گسست زمانی (إِذْ - هُنْكَامِي كِه ...) بیان می‌شود. موسی(ع) به این سو و آن سو می‌نگریست و در فکر چاره بود که ناگهان از جانب کوه طور آتشی دید. ابژه‌های منتشره که در صورت بندی گفتمانی (او- آنها) بیان شده سبب افزایش بعد شناختی در گفتمان آیه شده است. در این آیه ابژه "ناراً" سه بار و یک بار هم با ضمیر تکرار شده که به گفتمان آیه ضرب آهنگ خاصی بخشیده که منجر به افزایش بعد شناختی گفتمان شده است. در زبان عربی حروف کارکرد معنایی و قدرت تأثیر گذاری دارند. از آنجا که حرف "راء" از صفت تکریر برخوردار است (بیگلری، ۱۳۷۰: ۱۶۷-۱۷۷) این تکرار بیانگر حرارت عشق

و محبتی است که از قلب موسی(ع) سرچشمه گرفته است و برای موسی(ع) این آتش، تجلی مستمر و پویای عشق الهی است. حرف "راء" یک همخوان روان لثوی واکدار است که دلالت بر ثبات و ملکه و گستردگی یک صفت دارد و در تقسیم بندی آواها، آوای تکرار به شمار می‌رود (زارع و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴) بدین صورت موسی(ع) به سمت نار و معدن هدایت رهنمون می‌شود و آتش به چگونگی مبعوث شدن موسی(ع) دلالت دارد. ارزش به دست آمده در این آیه تجلی نور هدایت بر قلب موسی(ع) و آمادگی او برای یک انتخاب مهم است. با سیر گفتمان از فضای گفته‌پردازی (من- تو) به سمت فضای جهان گفته‌ای (او- آنها) از فشاره گفتمان کاسته شده است و گفتمان آیه به سمت گسترش فضای جهان گفته‌ای و افق‌های شناختی و تکثر ایزه‌ها پیش رفته است.



سیر گفتمان از گفته‌پردازی

سیر گفتمان از گفته‌پردازی به جهان گفته‌ای

نمودار ۲: الگوی تنشی آیه ۱۰

۳-۶. الگوی تنشی آیات ۱۱ تا ۱۳

آیات یازده تا سیزده سوره طه تداوم پیوست به فضای گفته‌پردازی را نشان می‌دهد. فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى: هنگامی که موسی(ع) به وادی مقدس طوی رسید صدایی او را می‌خواند «هنگامی که نزد آتش آمد ندا داده شد که "ای موسی!" خداوند نفرموده: ندا دادم "ای موسی" بلکه فرموده: "ندا داده شد" تا شخصیتی انتزاعی از صدای خود ارائه دهد. این ندا هنوز مجهول است و کمیتهش و کیفیتش مورد سوال است (شاذلی: ۱۴۱۲، ج ۴، ۲۳۳۱). در این آیه خداوند وارد فضای گفته‌پردازی و تعاملی با موسی(ع) شده ولی حضور خود را به عنوان گفته‌پرداز آشکار

نکرده است. این در حالی است که در فرآیند گفتمانی «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ»، گفته‌پرداز (خداوند) با خطاب قرار دادن موسی(ع) برای آشکار کردن حضور خود، لب به سخن گشوده است. عبارت «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ...» به خوبی نشان می‌دهد که فرایند گفتمان به سوی برجسته کردن فضای تعاملی گفته‌پردازی است. اگر عبارت «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ» ذکر نمی‌شد حضور خداوند پوشیده می‌ماند و موسی(ع) دچار شک و تردید می‌شد که این ندایی که می‌شنود از کیست؟ «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ» یعنی یقین داشته باش به آن که من آفریدگار توام. عبارت «انی انا ربک» دلالت بر این دارد که خداوند متعال متکلم است و به عنوان گفته‌پرداز وارد فضای گفته‌ای شده است. فضای گفتمان فضای دیالوگی و تعاملی بین خداوند و موسی(ع) است در این آیات خداوند موسی(ع) را صریحاً با (کاف) خطاب مورد ندا قرار داده است. حرف (کاف) تأثیر موسیقایی در معنای آیه دارد؛ چرا که فضای آیه فضای گفته‌پردازی و تعاملی است و صفات زبانی این حرف با فضای آیه تناسب دارد. ابن جنی در کتاب الخصائص توضیح داده که حرف کاف جزو صداهای پرتنین - با پژواک شدید و قوی - است؛ از این رو جزو حروف انفجاری محسوب می‌شود. حرف کاف تداعی کننده اصطکاک بین دو چیز است که در اثر آن؛ حالتی از قدرت، حرارت، جنب و جوش و پویایی القا می‌شود (ابن جنی، ۱۹۵۵م: ۷۰). تمامی صفات مذکور با فضای تعاملی آیه همخوانی دارد. در این آیه وجود ضمیر متکلم وحده (إِنِّي أَنَا) و فعل امر (فَاخْلَعْ) و ضمیر مخاطب (کاف) و پیوست مکانی اینجا (بِأَلْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى) و در آیه ۱۳ ضمیر "أنا" و فعل "اخترتک" و "فاستمع" فضای دیالوگی (من - تو) میان گفته‌پرداز و گفته‌یاب را به تصویر کشیده و سبب افزایش فشار عاطفی می‌شود. سه تأکید "إِنَّ" و تکرار متکلم "إِنِّي أَنَا" و جمله اسمیه (إِنِّي أَنَا رَبُّكَ) در این آیات نیز بر همین معنا دلالت دارد.

لفظ "رب" که از اسمای حسناى الهی است، بیش از ۹۷۰ مرتبه در قرآن آمده است و خداوند در اولین تجلی بر حضرت موسی (ع) خودش را با این نام به او معرفی کرد (قرائتی، ۱۳۸۳ش: ص: ۳۲۷).

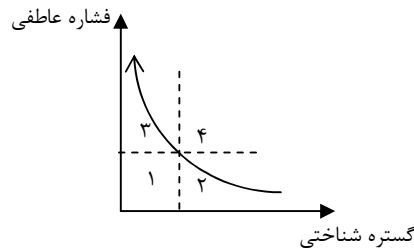
وجود ضمیر أَنَا و ضمیر مخاطب (کاف) و فعل امر در آیه «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» فضای گفته‌پردازی (من - تو) را تصویر سازی می‌کند. طولانی شدن فضای تعاملی گفته‌پرداز با گفته‌یاب دلالت بر یک فرایند و اتفاق بزرگ دارد که در این فرایند پیوستی، انرژی و فشاره افزایش پیدا کرده و سخن در انتهای گفتمان بر "لِمَا يُوحَى" منحصر مانده است. آنچه در این

آیات مشهود است فضای (من- تو) گفته‌پردازی و به رخ کشیدن حضور مؤثر گفته‌پرداز و گفتگوی او با گفته‌یاب است. آهنگ و موسیقایی واژگان نیز بر معنای مستفاد از آیات تأثیر گذار بوده است. حرف "خاء" از حروف حلقی است که صفت استعلاء و اصمات دارد و همچنین تکرار حرف "دال" که از حروف انفجاری و قلقله است بر آهنگ قوی و موسیقی تند و هیجان انگیز آیات می‌افزاید و نشان از آن دارد که خداوند متعال موسی(ع) را برای امری مهم اختیار کرده است. حرف "باء" که یک همخوان انسدادی دو لپی واکدار است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۶) با صفت شدت و جهر در این آیه نوعی تأکید لفظی و نوعی واج آرایی به شمار می‌رود و باعث نفوذ معنا در دل مخاطب و تأثیر گذاری بیشتر در او می‌شود.

تکلم خداوند با موسی(ع) هدفمند بوده و تمهیدی برای دادن نبوت و رسالت به اوست. شاهد این معنا جمله "فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى" است که "فاء" تفریع، نتیجه آن اختیار قلمداد شده است. فرایند گفتمانی هنوز بر «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» متمرکز است و به جای پیوند آن با ابژه‌های دیگر (تفصیل و گسترش جهان گفته)، از موضع گفته‌پرداز (خداوند) و گفته‌یاب درباره آن سخن می‌گوید.

وجود ضمیر مخاطب دوم شخص در این آیات فضای دیالوگی (من - تو) میان گفته‌پرداز (خداوند) و موسی(ع) را به تصویر می‌کشاند و به تبع آن افزایش فشار عاطفی گفتمان را به دنبال دارد. از دیدگاه تحلیل میدان عملیات گفتمان، بعد گستره نیز به جای تفصیل و انتشار فضای جهان گفته‌ای وحی (رسالت و نبوت)، کل آیه در بیان کاملاً مجمل "لِمَا يُوحَى" فشرده شده است. این نشانه‌ای است که بعد شناختی نیز به سوی انحصار و تمرکز (نه انتشار و تفصیل جهت یافته است. به بیان دیگر، فرایند گفتمانی از منطقه انتشار گستره (۳و۴) به سوی مناطق متمرکز گستره‌ای (۱و۲) حرکت کرده است. طولانی شدن سخن در مرکز عملیات گفتمان به معنی تداوم حضور در فضای تعاملی گفته‌پرداز و گفته‌یاب است. در فشرده‌ترین فرایند گفتمانی، فشاره اوج یافته و تأثیر هیجانی - عاطفی بسیار قوی ایجاد کرده و کنجکاوای درباره هدف از انتخاب موسی(ع) را افزایش داده است. در فرایند پیوستی این آیات با تداوم حضور در مرکز عملیات گفتمان فشاره افزایش پیدا کرده در حالی که گستره متمرکز و منحصر بر «لِمَا يُوحَى» باقی مانده است. ارزش به دست آمده در این آیات عبارت است از تکلم خدا با موسی(ع) و انتخاب وی برای پیامبری. با این توضیحات الگوی تنشی گفتمان در آیات (۱۱-۱۲-۱۳)

صعودی است.



سیر گفتمان از جهان گفته‌ای به گفته‌پردازی

نمودار ۳. الگوی تنشی آیات ۱۱-۱۳

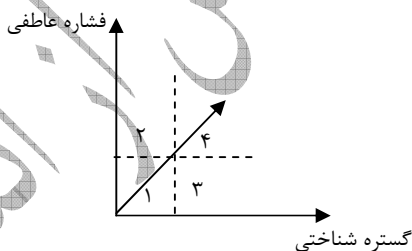
۶-۴. الگوی تنشی آیات ۱۴ تا ۱۶

واج "لام" یک همخوان روان واکدار است (زارع و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷) از این رو تکرار آن در آیه چهاردهم نوعی تأکید لفظی و تأثیر عمیق بر مخاطب دارد. در فرآیند گفتمانی «إِنِّي أَنَا اللَّهُ» خداوند دوباره برای اثبات وجود خود به عنوان صاحب سخن وارد فضای گفته‌ای شده در اینجا نه به عنوان خدایی که موسی(ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد بلکه به عنوان اثبات وجود خود (خداوند) به عنوان یک امر توحیدی در قالب شرح و تفصیل وحی. در عبارت قرآنی "اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا" آوای دلکشی از خاستگاه "لا" اوج می‌گیرد و با توالی حرف "لام"، تموج هجایی جذابی، طنین می‌افکند و در پایان با الله استقرار می‌یابد. توالی این نفی و اثبات‌ها تناوب امواج معنایی را در ذهن القاء می‌کند (سیدی و عبیدی، ۱۳۸۴، ۶۳). این آیات با ایجاد فشاره عاطفی از یک سو و از سوی دیگر با ایجاد گستره شناختی ارزش‌های متعالی اعتقادی از جمله توحید و معاد را بیان کرده است. در این آیات ما هم با افزایش فشاره بر روی محور عاطفی و هم با رشد فضای گستره‌ای بر روی محور شناختی یا کمی مواجه هستیم. پس بر روی هر دو محور حرکتی رو به رشد وجود دارد و هر چه بر میزان قدرت فشاره‌ها افزوده می‌شود به همان میزان بر قدرت گستره‌ها نیز افزوده می‌گردد. در این حالت بعد شناختی و هیجانی پا به پای یکدیگر پیش می‌روند و رشد فشاره‌ها با رشد گستره‌ها همراه می‌شود (شعیری، ۱۳۸۴: ۱۹۹). در این آیات دو گونه گسست و پیوست گفتمانی قابل انتظار است. برای گفته‌یاب واضح و

آشکار است که تداوم پیوست در فضای گفته‌پردازی با گسست گفتمانی دنبال خواهد شد. اما بر خلاف انتظار، پیوست به مرکز عملیات گفتمان فضای گفته‌پردازی من - تو همراه با گسست گفته‌ای محقق شده است. در فرآیند گفتمانی «فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» هیجان بالا و احساس فشرده شدن برای "لما یوحی" به دنبال راهی برای آزادی و گشودگی است. عبارت "لما یوحی" که در آیه قبل با فشاره بالا مورد ابهام است و ذهن موسی(ع) را به چالش کشانده و سطح هیجان درباره آن و پیگیری سخن را افزایش داده است به دنبال راهی برای تبیین و پاسخگویی (نابستگی) است. آیات (۱۶-۱۴) پاسخ آن ابهام و رهایی به دنبال فشرده‌گی است. گفتمان در آیات ۱۴ تا ۱۶ این سوره، ابژه "لما یوحی" را که در آیات قبل فشاره‌اش افزایش پیدا کرده بود به پدیده‌های گسترده و منتشر "الله" (خداوند- توحید) "فَاعْبُدْنِي" (من را عبادت کنید)، "الصَّلَاةُ" (نماز)، "السَّاعَةَ" (قیامت)، (معاد) و سایر نشانه‌ها پیوند داده است. با گسترده‌تر شدن ابژه‌ها همراه با آهنگ موسیقایی، بار عاطفی نیز بالا رفته و این گونه گفته‌پرداز گستره شناختی را با فشاره عاطفی پیوند داده است تا رسالت موسی(ع) را با پیام وحی به او ابلاغ کند. این گونه از یک سو "لما یوحی" تبیین شده و گستره‌اش افزوده و از سوی دیگر به دلیل ضمیر مخاطب "کاف" و فضای گفته‌پردازی (من- تو) موسی(ع) را مورد خطاب قرار داده و بر فشاره آن افزوده است و همزمان بعد شناخت گفتمان بالا رفته و به این ترتیب گفتمان این آیات بر الگوی تنشی افزایشی مبتنی است. برای موسی(ع) مورد ابهام است که این وحی چیست که در آیه قبل، خداوند او را امر به خطاب قرار داده است. از این طریق اصول توحیدی و معاد برای موسی(ع) بازگو می‌شود و موجب شناخت و فهم موسی(ع) از محتوای حکم نبوتی او می‌گردد. در این آیات هماهنگی گستره و فشاره همراه هم موجب اثبات حکم نبوت می‌شود.

در فرآیند گفتمانی این آیات ابژه‌های منتشر شده به صورت هماهنگ بعد سوژه‌ای عاطفی نیز یافته‌اند به دلیل کنشی که بین خداوند و موسی(ع) قرار دارد بعد عاطفی همزمان با بعد شناختی روند افزایشی پیدا کرده است. در این آیات گستره شناختی افزایش پیدا کرده است و موجب افزایش شناخت اصول اعتقادی وحی شده است. گستره شناختی نیز با تبیین اصول اعتقادی، موسی(ع) را به سوی ابژه‌هایی چون "الله"، "الصَّلَاةُ" و "السَّاعَةَ" سوق داده و بعد شناختی به سمت تفصیل جهت یافته است. موسی(ع) با هیجان بالا حکم نبوتی را دریافت می‌کند. فضای موسیقایی این الفاظ بر هیجان و در نتیجه بر فشاره عاطفی آیات افزوده است.

تکرار حرف "سین" در کلمات (السَّاعَةَ - نَفْسٍ - تُسْعِي) با صفت صغیر و آشکاری بر وضوح و وقوع قیامت دلالت دارد؛ از این رو موسیقای این کلمات در افزایش فشاره عاطفی آیه تأثیر گذار است که با معنای مستفاد از آن تناسب دارد. حرف "صاد" به دلیل داشتن صفت استعلا برای فعل "فَلَا يَصُدُّكَ" به کار رفته است که شدت عمل بیشتری در آن دیده می‌شود. به عبارتی دیگر آواها و معانی با هم مرتبط و متناسب هستند. همانطور که در این آیات مشخص است هر چه بر وسعت گستره‌ها افزوده می‌شود فشاره‌های عاطفی نیز در اوج قرار گرفته و بر انرژی تنشی و عاطفی آنها افزوده می‌شود. هر چه ابژه‌ها گسترده‌تر شده با ایجاد آهنگ موسیقایی بار عاطفی نیز بالا رفته و این گونه گفته‌پرداز، فشاره عاطفی را با گستره شناختی پیوند داده است تا نبوت موسی(ع) را بازگو کند. رابطه تنشی در این گفتمان یک رابطه همسو است، هرچه عنصر کیفی اوج می‌گیرد عنصر کمی و شناختی نیز اوج می‌گیرد. بنابراین الگوی تنشی و فرایند گفتمانی این آیات دارای ساختار افزایشی است. ارزش به دست آمده از این آیات عبارت است از: نخستین جمله وحی (توحید، معاد، حتمی بودن قیامت، لزوم حفظ دین از شبهه افکنی و فشارهای کافران). الگوی تنشی آیات ۱۴ تا ۱۵ به شکل نمودار زیر است.



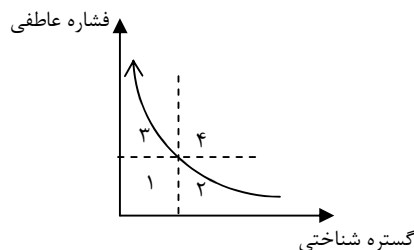
نمودار ۴: الگوی تنشی آیات ۱۴-۱۶

۵-۶. الگوی تنشی آیات (۱۷ تا ۱۹)

آنچه در این آیات مشهود است فضای (من- تو) گفته‌پردازی و حضور مؤثر خداوند (گفته‌پرداز) و گفتگوی او با گفته‌یاب است. در این آیه گفته‌پرداز (خداوند) با استفهام نهیت موسی(ع) را به چالش کشانده و سطح هیجان و کنجکاوی درباره آن را افزایش داده است. فضای گفتمانی این سه آیه به خوبی نشان می‌دهد که فرایند گفتمانی به سوی برجسته کردن

فضای تعاملی گفته‌پردازی جهت یافته است. پیوست به فضای گفته‌پردازی در این آیات، بسیار طولانی است. صحنه گفتگوی گفته‌پرداز (من) با گفته‌یاب (تو) و همچنین ابژه‌های منتشره جای خود را به سوژه‌های متمرکز (خداوند و موسی) داده است. فرایند گفتمانی این آیات بدون گسترش جهان گفته‌ای به سرعت به مرکز عملیات گفتمان یعنی فضای گفته‌پردازی بازگشته و گفته‌یاب (موسی) را به فضای گفت و گو با گفته‌پرداز بر می‌گرداند. با متوقف شدن تداوم پیوست به جهان گفته، پیوست به مرکز عملیات گفتمان ادامه پیدا می‌کند. تداوم پیوست در مرکز عملیات گفتمان فضای پرسش و پاسخ بین خداوند و موسی (ع) یعنی فضای تعاملی و دیالوگی بین گفته‌پرداز و گفته‌یاب را نشان می‌دهد. همانطور که علامه نیز می‌فرماید: اگر موسی در پاسخ خدای تعالی پرگویی کرد، و به ذکر اوصاف و خواص عصایش پرداخت، می‌گویند به این دلیل بود که مقام، اقتضای آن را داشت، چون مقام خلوت و راز دل گفتن با محبوب است، و با محبوب سخن گفتن لذیذ است، لذا نخست جواب داد که این عصای من است، سپس منافع عمومی آن را بر آن مترتب کرد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص: ۱۹۹)

بعد از گرفتن حکم پیامبری، رسالت موسی (ع) آغاز می‌شود. موسی (ع) برای اثبات نبوت خود نیاز به سند و معجزه دارد. در این آیات مدت زمان حضور در فضای پرسش و پاسخ بین موسی (ع) و خداوند یعنی فضای گفته‌پردازی طولانی‌تر شده است. تداوم حضور در فضای تعاملی حداکثر فشاره و انرژی را نشان می‌دهد. فرایند گفتمان هنوز بر «عصا» متمرکز است پرسش درباره یک چوبدستی از طرف گفته‌پرداز مجدداً موجب بالا رفتن هیجان و ابهام موسی (ع) «گفته‌یاب» شده است. این فشاره باعث شده موسی (ع) با آمادگی بالاتری به ندای خداوند گوش فرا دهد. در این آیه «عصا» نقش اساسی را ایفا می‌کند زیرا که به امر الهی این چوبدستی ابزار معجزه شده است. پیوست به فضای گفته‌پردازی در آیات ۱۷-۱۹ بسیار طولانی است. گفتمان این آیات، سیر از جایگاه دیگری به جایگاه خود، سیر از ابژه به سوژه و پیوست به مرکز عملیات گفتمان، محل بیشترین فشاره و محدودترین گستره است. گفتمان آیه با منحصر ماندن بر ابژه «عصای» و پیوند ندادن آن با ابژه‌های دیگر در جهت افزایش فشاره عمل کرده است. با این توضیحات الگوی تنشی این گفتمان به سمت فضای دیالوگی (من-تو) جهت یافته است که باعث افزایش فشاره عاطفی شده و الگوی تنشی صعودی را نشان می‌دهد.

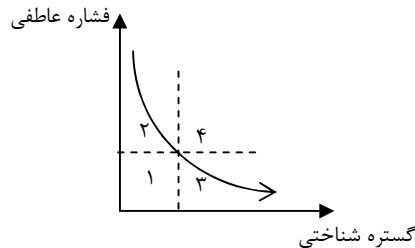


سیر گفتمان از جهان گفته‌ای به گفته‌پردازی

نمودار ۵: الگوی تنشی آیات ۱۷-۱۹

۶-۶. الگوی تنشی آیه ۲۰: معجزه‌های شگفت انگیز

با انداختن عصا بر زمین، ماری بزرگ پدید می‌آید که در حال حرکت است و به همین علت موسی(ع) می‌هراسد. این گفتمان، ابرّه "عصا" را که در آیات قبل مورد تکلم خدا با موسی(ع) بود و مورد ابهام قرار گرفته بود به پدیده‌های منتشر و گسترده همچون؛ "فَإِذَا" که گستره زمانی است، "ها"، "موسی" و "حَيَّةٌ تَسْعَى" پیوند داده است. اینگونه با آن عصای چوبدستی که مورد ابهام موسی(ع) بود حقیقت برای موسی(ع) نمایان می‌شود. عصا به مار بزرگی تبدیل شده و شناخت و فهم موسی(ع) از عصا و معجزه را سبب شده است. موسی(ع) سند نبوت خود را دریافت کرده و به حقیقتی که خداوند برایش آشکار کرده پی برده است. گفتمان این آیه از فضای گفته‌پردازی آیه قبل سیر کرده و با وجود پدیده‌های گسترده و منتشره، فشاره موجود در این آیه کاسته شده و بر گستره شناختی گفتمان در آیه افزوده شده است. پس گفتمان آیه بر الگوی تنشی نزولی مبتنی است. آنچه در اینجا برجسته و مشهود است ابرّه "حَيَّةٌ تَسْعَى" است. گفته‌پرداز با پایان دادن ناگهانی فضای دیالوگی و تعاملی، نسبت به آیه قبل حضور خود را کم رنگ و حضور او یعنی موسی(ع) را پر رنگ می‌کند. گفته‌پرداز با نشان دادن و ارسال معجزه خود گفته‌یاب را متأثر و متحول می‌کند و حقیقت را به موسی(ع) نشان می‌دهد. در این آیات، فرآیند گفتمانی از فضای گفته‌پردازی آیه قبل به سمت فضای جهان گفته‌ای سیر کرده و این گونه از فشاره گفتمان کاسته شده و گفتمان آیات الگوی تنشی نزولی یافته است.



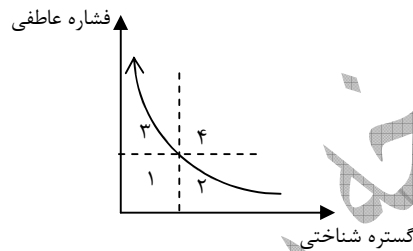
سیر گفتمان از گفته پردازى به جهان گفته‌ای

نمودار ۶. الگوی تنشی آیه ۲۰

۶-۷. الگوی تنشی آیه (۲۱)

فرایند گفتمان بدون تفصیل جهان گفته‌ای به سرعت به مرکز عملیات گفتمان به جایگاه خود گفته‌پرداز بازگشته است و گفته‌یاب را به فضای تعاملی با گفته‌پرداز برمی‌گرداند و با پیوست به مرکز عملیات گفتمان تداوم پیوست جهان گفته یا مکث و توقف مواجه می‌شود. در این آیه انتظار تداوم گسست جهان گفته‌ای و انتشار و تفصیل آن برای گفته‌یاب وجود دارد اما بر خلاف انتظار، گسست از فضای گفته‌پردازى بسیار سریع و کوتاه می‌باشد. آیه ۲۱ دوباره گفته‌یاب را به فضای تعاملی با گفته‌پرداز برمی‌گرداند. با پیوست به مرکز عملیات گفتمان در آیه ۲۱، پیشرفت جهان گفته متوقف می‌شود و چنین انتظاری برای گفته‌یاب محقق نمی‌شود؛ چرا که گسست در فضای جهان گفته‌ای بسیار سریع و کوتاه اتفاق افتاده و در آیه ۲۱ دوباره گفتمان به مرکز عملیات گفتمان یعنی فضای گفته‌پردازى من - تو باز می‌گردد. به این ترتیب در فرایند کلی گفتمان آیه ۲۰ چون یک حادثه غیر منتظره رخ داده است گفته‌یاب به دنبال پیشروی و تداوم فضای جهان گفته‌ای است اما بر خلاف انتظار، گفته‌پرداز، مجدداً به فضای تعاملی (من - تو) بر می‌گردد تا دوباره حضور خود را آشکار کند. در این آیات مهم‌ترین اثر پیوست به فضای تعاملی افزایش سطح فشاره و انرژی است. الفاظ «حُدُّهَا وَ لَا تَخَفْ» از یک واحد معنایی هستند و مردود بودن موسی(ع) بین دو عمل را نشان می‌دهند. موسی(ع) در مقابل معجزه بزرگ (خارق العاده) الهی قرار گرفته ولی پذیرش این حقیقت (تبدیل عصا به مار) برای او باور کردنی نیست. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۹۹) از این رو خداوند موسی(ع) را در فضای گفته‌پردازى مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «حُدُّهَا وَ لَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى»

تکرار صدای (س) در انتهای آیه با موسیقی لطیف و طنین اندازش لطافت و آرامش خاصی را به ارمغان می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد مشخص می‌شود به دلیل بازگشت از فضای گفته‌پردازی آیه ۲۰ و سیر از (او) به سوی وضعیت سوژه‌ای‌تر (من-تو) فشار عاطفی گفتمان افزایش یافته و فرایند تنش‌ی آیه سیر صعودی پیدا کرده است.

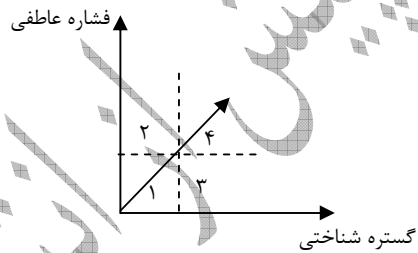


نمودار ۷. الگوی تنش‌ی آیه ۲۱

۶-۸ الگوی تنش‌ی آیات (۲۲-۲۳-۲۴) ید بیضاء

درفرآیند گفتمانی این آیات گفته‌یاب (خداوند) به عنوان صاحب سخن وارد فضای گفته‌ای شده و با ایجاد فشار عاطفی از یک سو و تفصیل گستره شناختی از سوی دیگر معجزه "ید بیضاء" و "رسالت" موسی(ع) را بیان کرده است. فضای موسیقایی این الفاظ نیز بر هیجانان موسی(ع) تأثیر گذار بوده است. فرایند گفتمانی این آیه تداوم پیوست به فضای گفته‌پردازی آیات قبل را بیان می‌کند. با این برگشت سریع و برق‌آسا بین گفته‌پرداز و گفته‌یاب که در آیات قبل اتفاق افتاد، خداوند دوباره موسی(ع) را برای دریافت معجزه‌ای دیگر آماده می‌کند. همزمان در این آیات علاوه بر فضای تعاملی (من-تو-ضمیر مخاطب) که موجب افزایش فشار عاطفی شده از طرفی دیگر گستره‌های شناختی مورد تفصیل قرار گرفته و الگوی تنش‌ی افزایشی را نشان می‌دهد. گفته‌پرداز در این آیات ابژه "یَدکَ" را با ابژه‌هایی چون "جَنَاحکَ"، "نُخْرُجُ بَیْضَاءَ"، "آیةُ اُخْرٰی" و نشانه‌های دیگر پیوند داده است تا معجزه‌ای دیگر را برای او بازگو کند تا نشانه‌ای باشد برای سند رسالت او و هدف از رسالت برای موسی(ع) تبیین شود. هرچه ابژه‌ها گسترده‌تر شده است با آهنگ موسیقایی الفاظ بار عاطفی نیز بیشتر شده و این گونه

گفته‌پرداز همزمان گستره شناختی را با فشاره عاطفی پیوند داده است. همچنین در آیه ۲۴ وجود ابژه‌هایی چون؛ "آيَاتِنَا الْكُبْرَى"، "اَذْهَبْ"، "فِرْعَوْنَ" و "طَغَى" برجسته و مشهود است. به این صورت گفته‌پرداز هدف خود را از انتخاب موسی(ع) و رسالت او بیان کرده است. همان گونه که در فرآیند گفتمانی این آیات مشخص است هر چه بر گستره‌ها افزوده می‌شود فشاره‌های عاطفی نیز در اوج قرار گرفته و همزمان الگوی تنشی افزایشی را نشان می‌دهد. در فرآیند گفتمانی این آیات از یک طرف به دلیل فضای گفته‌پردازی (من-تو) بعد عاطفی همزمان با بعد شناختی سیر افزایشی پیدا کرده و از طرف دیگر همزمان بعد گستره نیز با بیان تفصیلی ابژه‌های منتشره افزایش یافته است. در صورت بندی گفتمانی این آیات که ابژه‌های منتشره همزمان بعد عاطفی نیز یافته‌اند از الگوی تنشی افزایشی پیروی می‌کنند. ارزش به دست آمده در این آیات عبارت است از معجزه موسی(ع) و هدف رسالی او که مبارزه با فرعون است. بنابراین گفتمان آیات الگوی تنشی افزایشی را نشان می‌دهد.



نمودار ۸. الگوی تنشی آیات (۲۲-۲۳-۲۴)

۷. نتیجه‌گیری

فضای تنشی حاکم بر گفتمان آیات سوره طه با نظام‌های تنشی مختلف، فرآیند سیال معنا را در تعامل دو بعد شناختی و عاطفی شکل می‌دهد. گفتمان غالب بر این داستان نشان می‌دهد که خداوند به عنوان کنش‌گر اصلی با حضرت موسی (ع) از طریق رابطه‌ای حسی- ادراکی از سبک حضور تنشی در گسست و پیوست در ارتباط است. برای تولید گفته راهی جزء گسست از فضای گفته پردازی من-تو وجود ندارد. در این گفتمان داستانی، تولید معنا با استفاده از الگوی تنشی، گذر از انفصال و اتصال و ایجاد گسست و پیوست و تغییر زاویه دید شکل گرفته است. بنابراین گسست گفته‌ای باعث گستردگی و تکثر کلام در این گفتمان داستانی شده و سبب

ایجاد زمانها و مکانها و عوامل جدید در گفتمان شده است. این تغییر تک واژه‌های دستوری در گفته پردازی موجب پیوست و گسست گفتمانی در گفتمان داستانی بعثت موسی(ع) شده که خود موجب تولید و دریافت معنا شده است. مزیت عملیات گسست گفتمانی گریز از حصارها و محدودیت های سخن و ایجاد جریانی فرا زمانی و فرا مکانی و فرا عاملی است که باعث شکل گیری تعامل به بهترین صورت و خلق معانی جدید می‌شود. به واسطه این امتیاز زبان قرآن به ناممکن ترین معانی در مکان‌ها و زمان‌ها دست می‌یابد. حضرت موسی (ع) به عنوان گفته یاب در مرتبه‌ای با شکوه به مقام دیدار با خدا نائل شده و در یک فرآیندی استعلایی برای پیامبری و دریافت مقدمات وحی انتخاب می‌شود. این فرآیند استعلایی نتیجه چالش‌هایی است که تحت کنترل ساختار تنشی است. در این فضای تنشی ارزش‌های اعتقادی، توحیدی و معجزاتی از طرف کنش‌گر اصلی برای موسی (ع)، باوری درونی و پایدار ایجاد می‌کند و او به رسالت اصلی خود که نبوت است یقین پیدا می‌کند. با بررسی ساختار تنشی این داستان مشخص شد که این گفتمان از سه الگوی تنشی صعودی، نزولی و افزایشی پیروی می‌کند. الگوی حاکم بر این داستان الگوی افزایشی است که در جریان گسست با گستره زیاد در شرایط تنشی عاطفی بالا شکل می‌گیرد که سبب گسترش و بسط معنا و درونی شدن ارزش‌ها برای حضرت موسی (ع) می‌باشد.

۸. پی‌نوشت‌ها

1. Dimension tensive-process tensif
2. Tensive model
3. post-Greimasian
4. Jacques fontanille
5. claude zilberberg
6. J.fontanille& C. Zilberberg
7. Intensite
8. Extensite
9. direct correlation
10. inverse correlation
11. Tensive Scheme of Discourse Process
12. amplification
13. attenuation

14. ascendance
15. decadence
16. Taking of position (la prise de position)
17. disengagement(debrayage)
18. engagement(embrayage)

۹. منابع

- قرآن کریم
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان؛ (۱۹۵۵): *الخصائص*؛ تحقیق: محمد علی النجار؛ بیروت؛ دارالکتب العربی.
- اسماعیلی عصمت، شعیری حمید رضا، کنعانی ابراهیم (۱۳۹۱)، «نشانه معنا شناختی فرآیند مربع معنایی به مربع تنشی در حکایت دقوی مثنوی»، *ادبیات و زبان‌ها: پژوهش‌های ادب عرفانی*، ش ۲۳، صص ۶۹-۹۴
- اطهاری نیک عزم، مرضیه؛ احمدی، سهراب. (۱۳۹۶). «تحلیل نشانه شناختی شیوه‌های گفته‌پردازی در یسن‌های نهم و دهم اوستا»، *جستارهای زبانی*، د ۸، ش ۵ (پیاپی ۴۰)، ص ۱۵۹ تا ۱۷۹.
- اکبرزاده فاطمه، مرضیه محمص (۱۳۹۶)، «نشانه معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی (ع) (ع)»، *دو ماهنامه علمی پژوهشی جستارهای زبانی*، د ۸، ش ۵ (پیاپی ۴۰).
- بیگری، حسن. (۱۳۷۰). *سرالبیان فی علم القرآن*، انتشارات کتابخانه سنایی.
- پاکتچی احمد، شعیری حمید رضا، رهنما هادی (۱۳۹۴)، «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه» با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی»، *دو ماهنامه جستارهای زبانی*، د ۶، ش ۴ (پیاپی ۲۵)، ص ۳۹-۶۸
- پیر بایار، ژان. (۱۳۸۷). *رمزپردازی آتش*. ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
- داودی مقم، فریده، شعیری حمید رضا، قطبی ثریا (۱۳۹۶). «نقش یادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کف»، *پژوهش‌های زبان شناختی قرآن*، شماره اول، پیاپی (۱۱)، ص ۱-۱۶.
- زارع، آفرین، بیات موسی، دیانت لیلا (۱۳۹۱ش)، «تحلیل آوایی در صحیفه سجاده با تأکید بر دعای استعاذه»، *مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث*. سال ۴۵، شماره یکم، صص ۷۱-۹۱.
- زکوب، منصوره و خاقانی محمد، جاویدی مریم، (۱۳۹۲). «کارکرد واحد های زنجیری و

- زبر زنجیری در زبان عربی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال چهارم، شماره ۸.
- سیدی، حسین و عبدی، زهرا (۱۳۸۴). «تحلیل موسیقایی آیات قرآن، جزء ۳۰» شماره ۴۷ و ۴۸. پژوهشنامه علوم انسانی. صص ۵۹-۷۴.
 - شانلی، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ق). فی الضلال القرآن. بیروت و قاهره: دارالشروق.
 - شعیری، حمید رضا. (۱۳۷۹). «فرا ارزش و رابطه آن با تنش و معنا در «ندای آغاز» سهراب سپهری». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۹۱ از ص ۴۴۹ تا ۴۶۰.
 - شعیری، حمید رضا. (۱۳۸۴). «مطالعه فرآیند تنشی گفتمان ادبی» پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره ۲۵. صص ۱۸۷-۲۰۴.
 - شعیری، حمید رضا. (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه - معنا شناختی». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۱۹، ص ۱۰۶ تا ۱۱۹.
 - شعیری حمید رضا. (۱۳۸۸). «از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه-معناشناسی گفتمانی». ادبیات و زبان‌ها، نقد ادبی، شماره ۸، ص ۳۳ تا ۵۲.
 - شعیری، حمید رضا. (۱۳۹۲). «تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان». چاپ سوم، تهران: سمت.
 - شعیری، حمید رضا (۱۳۹۵). «نشانه معناشناسی ادبیات: نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی»، چاپ اول تهران، مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
 - شعیری، حمید رضا؛ کنعانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «از برهم کنشی تا استعلا بر اساس گفتمان رومیان و چینیان مولانا». جستارهای زبانی، شماره ۲۳، ص ۱۷۳ تا ۱۹۶.
 - عباسی، علی؛ فیروز جانی، علی کریم. (۱۳۹۱). «کارکرد روایی فرا راوی در داستان حضرت آدم»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، شماره اول (پیاپی ۱۱) ص ۱۵۹ تا ۱۸۰.
 - عباسی، علی؛ یارمند، هانیه. (۱۳۹۰). «عبور از مربع معنایی به مربع تنشی: بررسی نشانه-معنا شناختی ماهی سیاه کوچولو»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۲۳ (علمی-پژوهشی)، ص ۱۴۷-۱۷۲.
 - قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- مصطفوی آیت الله سید حسن سعادات، شعیری حمید رضا، رهنما هادی. (۱۳۹۲). «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی». *دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*. شماره دوم از ص ۲۴ تا ۴۲.
- موسوی همدانی، محمد باقر. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نظری نجمه، محمدی الناز (۱۳۸۹). « بررسی کهن الگوها در ماجرای زندگی حضرت موسی (ع) با نگاهی به روایت»، *ادبیات و زبان ها: عرفانیات در ادب فارسی*. شماره ۵، صص ۲۴-۴۰.
- منابع انگلیسی
 - Fontanill- Jacques(2006) *The Semiotics of Discours* (trans. Heidi Bostic). New york: Peter Lang.
 - .fontanille & C zilberg(1998) *Tension et Signification*. J
 - .Semiotique et litterature. Paris:Sewil(۱۹۹۹) Fontanill

Semiotic Analysis of the Tensive Model in the Story of the Be'atat (Resurrection) of Moses (AS) in Surat Taha

Abstract

The instance of discourse represents a discursive structure in the form of a disengagement-engagement form. One of the characteristics of enunciation is personal pronouns and spatial and temporal identifiers is the one-word syntax (ego-hic-et-nunc) (illis-autem-non est-ille), which have been used in the story of Moses' (AS) Be'sat (Resurrection) in different ways, and are constantly changing. The variations of the syntactical morphemes in the enunciation led to the discourse disengagement-engagement in the Be'sat of the Prophet Moses (AS), which leads to the production and reception of meaning. Disengagement causes expansion, plurality and plurality of speech and opens the way for opening up unexpected meanings in this discourse with the expansion of meta-temporal and meta-spatial factors. Accordingly, a new world of actors and unlimited times and places opens itself, resulting in the development of different meanings. This research seeks to analyze and explain the characteristics of the enunciation of the verses of the Prophet Moses' (a) Be'sat in Surat Ta'ha via a semiotic tensive model. After the semiotic tensive analysis of discourse in the verses of Surat Taha, it became clear that the space for disengagement-engagement space of the tension relationship between the main actor, i.e. God and Moses, led to an oscillation of meanings, which is discussed in detail in the article.

Keywords: semiotic analysis, tensive model, discourse process, Surat Taha.